

فصلنامه علمی-پژوهشی آیین حکمت

سال یازدهم، بهار ۱۳۹۸، شماره مسلسل ۳۹

بررسی مسئله چیستی نبوت

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۱۲/۴

تاریخ تأیید: ۱۳۹۵/۲/۱۹

عسگر دیرباز *

محمود زارعی بلشتی **

در این نوشتار واژه‌های «نبی» و «نبوت» و تعریف آن از دید متکلمان، حکما و لغویان بیان و بررسی، و با دیدگاه مسیحیت، هندو و بودا مقایسه و از بهترین آن دفاع شده است. بهترین معنا برای واژه نبی، همان معادل فارسی آن، یعنی «پیام‌بر» یا «پیغام‌بر» است. براین اساس، بهترین تعریف از نبی عبارت است از: «بشری که از سوی خدا برانگیخته شده است تا واسطه میان او و خلق باشد تا خیر یا پیام‌های الهی بر او وحی شود که به مردم برای هدایتشان ابلاغ کند». براین اساس، نبوت یعنی «واسطه بین خدا و خلق بودن برای رساندن پیام الهی به مردم».

واژگان کلیدی: نبی، نبوت، وحی، پیامبر.

* استاد دانشگاه قم.

** دکتری فلسفه و کلام اسلامی دانشگاه قم (نویسنده مسئول).

مقدمه

معنای واژه «نبی» و «نبوت»

درباره معنای نبی و نبوت سه احتمال وجود دارد:

۱. نبی از (ن ب ا) به معنای مُخْبِر (خبردهنده) است؛ لذا «النَّبِيُّ» بر وزن فعیل و به معنای فاعلی بوده، برای مبالغه می‌باشد (ابن‌اثیر، ۱۳۹۶، ج ۴: ۳). نَبَأٌ، خبری است که فایده و سود بزرگی دارد، که از آن خبر، علم و دانش حاصل می‌شود و بر ظنّ و گمان غلبه می‌کند؛ لذا هیچ‌گاه «خبر» به معنای «نبا» نیست، مگر اینکه سه اصل و نتیجه‌ای که گفته شد و از «نبا» فهمیده می‌شود، در آن باشد: (۱) سود و فایده؛ (۲) علم و دانش؛ (۳) غلبه بر ظن و گمان (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ج ۱: ۷۸۸؛ خسروی، ۱۳۷۴، ج ۴، ۲۸۰).

۲. نبی از (ن ب و) و النباوة به معنای ارتفاع است؛ لذا نبی بر وزن فعیل به معنای مفعولی است؛ یعنی خداوند شأن او را رفیع گردانیده است و نبی یعنی دارای بلندی مرتبه و شأن. در این صورت آخر کلمه نبی، تشدید خواهد داشت؛ یعنی «نبیّ» خوانده می‌شود.

روایت است که فردی رسول خدا ﷺ را بنا به حالت اول، یعنی با ریشه (ن ب ا) ندا کرد، ولی حضرت او را از این‌گونه تلفظ نهی کرد و فرمود مرا بنا به حالت دوم و با ریشه (ن ب و) تلفظ کنید: «أَنْ رَجُلًا قَالَ لَهُ: يَا نَبِيَّ اللَّهِ، فَقَالَ: لَا تَنْبِرْ بِاسْمِي، إِنَّمَا أَنَا نَبِيُّ اللَّهِ» (همان، ج ۵: ۳)؛ یعنی نبی را به همین شکل با تشدید ادا کنیم تا بزرگی مرتبه پیامبر اراده شود. برخی فقها بنا به این روایت، تلفظ نبی را بدون تشدید مکروه می‌دانند (طوسی، ۱۴۰۶ق: ۲۴۵).

۳. نبی یعنی راه روشن.

معنای اول را همه نقل کرده‌اند (نک: بغدادی، *أصول الإیمان*، ص ۱۲۶؛ اصفهانی، *دلائل النبوة*، ج ۱، ص ۳۳؛ لاهیجی، *سرمایه ایمان*، ص ۸۵؛ *حمصی رازی*، ۱۴۱۲ق، ج ۱: ۳۷۱؛ *حسین بن بدرالدین*، ۱۴۲۲ق: ۲۷۸) و برخی معنای سوم را نیز مطرح نموده‌اند (*تفتازانی*، *شرح المقاصد*، ج ۵: ۵؛ *علوی*، *علاقة التجريد*، ج ۲: ۹۱۶؛ *تهانوی*، ۱۹۹۶م، ج ۲: ۱۶۸۱؛ *سیوری*، ۱۴۰۵ق: ۲۹۵).

نبوت در اصل همچون ابوت است که اصلش «ابو» بوده، «واو» متحرک ماقبل مفتوح قلب الف شده است در «ابا»، و در مصدر آن مانند فتوت از فتی، به سبب دو واو قلب و ادغام شده، یکی آنکه در مصدر ملحق می‌شود، و دیگری واو اصلی؛ پس در اینها دو واو جمع می‌شود و چون مدغم می‌گردد، نبوت و ابوت و فتوت می‌شود (*علوی*، *علاقة التجريد*، ج ۲: ۹۱۶).

به نظر می‌رسد بهترین معنا برای نبی، معنای اول است؛ زیرا اولاً، دو معنای بعدی را دربردارد. ثانیاً، این معنا گویای مقام و جایگاه نبی در مقام رابط میان خدا و خلق است. ثالثاً، این معنا با تعاریف نبی نیز تطبیق عالی دارد. توضیح اینکه به نظر ما، حکم به مکروه بودن تلفظ «نبی» محل بحث است؛ زیرا روایت ذکرشده تحت معنای دوم «نبی»، تنها در نهاییه ابن‌اثیر ذکر شده است و دیگران نیز از آن نقل کرده‌اند و از طرفی روایانش نیز نامعلوم‌اند؛ به‌ویژه اینکه از جهت عقلی «نبی» پیام‌بر یا خبرآورنده است و همین است که از علو شأن او حکایت دارد. لذا واژه «نبی» یا پیامبر، هم گویای جایگاه حضرت به عنوان آورنده وحی و خبر است، و هم گویای بلندی مقام وی؛ اما واژه «نبی» بر سفارت ایشان بین خدا و خلق دلالت ندارد. همچنین معنای سوم، یعنی راه روشن در دل معنای اول نیز نهفته است؛ زیرا نبی راهی روشن برای هدایت بشر آورده است. در نتیجه،

بهترین معنا، همان معنای اول است که به نوعی هر دو معنای بعدی را نیز دربردارد. لذا واژه فارسی «پیامبر» یا «پیغمبر» که به معنای آورنده پیام یا پیغام است، بهترین معادل برای واژه نبی به شمار می‌آید.

تعریف «نبی» و «نبوت»

در اینجا به تعاریف نبی و نبوت می‌پردازیم:

۱. تعریف اول (تأکید بر خبردهی یا پیام‌بری و پیغام‌آوری): «النَّبِيُّ هُوَ الْإِنْسَانُ الْمَخْبَرُ عَنِ اللَّهِ بغير واسطه أحد من البشر؛ نبی انسانی است که از خدا بدون واسطه بشری دیگر خبر می‌دهد». با قید «انسان»، ملائکه و با قید بعدی، کسانی که با واسطه انبیا مطلبی را از خداوند خبر می‌دهند، از این تعریف خارج می‌شوند (طوسی، ۱۴۱۴ق: ۱۰۳؛ حلی، ۱۴۱۴ق: ۱۵۳؛ همو، ۱۴۱۵ق: ۴۰۳؛ همو، ۱۴۲۶ق: ۱۸۳؛ همو، ۱۴۰۹ق: ۲۱۷؛ همو، ۱۳۶۵: ۳۴؛ جمیل حمود، ۱۴۲۱ق، ج ۱: ۳۸۴-۳۸۵؛ سیوری، ۱۴۰۵ق: ۲۹۵؛ همو، ۱۳۶۵: ۳۴؛ حسینی، ۱۳۶۵: ؛ لامیجی، ۱۳۸۳: ۴۱۹؛ طیب، ۱۳۶۲: ۱۴۲). به عبارت دیگر، نبوت عبارت از اخبار از حقایق الهیه است؛ یعنی از معرفت ذات و اسماء و صفات و احکام او (سجادی، ۱۳۷۳، ج ۳: ۱۹۱۶). برخی به‌جای مخبر، واژه «المؤدی» را به کار برده‌اند (طوسی، ۱۴۰۶ق: ۲۴۵). بر مبنای این تعریف، نبوت یعنی خبر دادن انسان از خدا بدون واسطه بشر دیگر. اما برخی نیز نبوت را خبر دادن از رسالت الهی خود تعریف کرده‌اند (شهرستانی، ۱۴۲۵ق: ۲۳۹)؛ ولی گروهی دیگر، این تعریف از نبی و نبوت را اعم از موضوع می‌دانند؛ زیرا شامل حضرت زهرا علیها السلام و ائمه اطهار علیهم السلام که «محدث» بودند نیز می‌شود؛ لذا باید قید دیگری افزود و آن «تشریحی بودن خبر» است (جمیل حمود، ۱۴۲۱ق، ج ۱: ۳۸۴-۳۸۵).

۲. تعریف دوم (تأکید بر سفارت): «النبوة سفارة بين الله و بين ذوى العقول من عباده؛ نبوت سفارت بين خدا و بندگان صاحب خرد است» (سبحانی، *الإلهيات*، ج ۳: ۲۰؛ همو، *محاضرات*: ۲۴۷؛ اصفهانی، *دلائل النبوة*، ج ۱: ۳۳؛ تفتازانی، شرح *العقائد النسفية*: ۸۵؛ موسوی، *عقائد الإمامية*، ج ۲: ۱۵۱؛ رفیق عجم، ۲۰۰۴م، ج ۲: ۴۷۷). بنا به این تعریف از نبوت، نبی «سفیر» است.

۳. تعریف سوم (تأکید بر وحی): «من أوحى إليه بملك أو ألهم فى قلبه أو نبه بالرؤيا الصالحة؛ نبی کسی است که به او از یکی از راه‌های سه‌گانه فرشته، الهام یا خواب وحی می‌شود» (جرجانی، *تعريفات*: ۱۰۵). برخی نیز نبی را چنین تعریف کرده‌اند: «برگزیده‌ای از خلق است که خدا او را بر آنچه از احکام وحی و اسرار غیب و امرش بخواهد، مطلع می‌سازد» (*فیض کاشانی*، ۱۴۱۸ق: ۴۶۴). بنا به این تعریف، نبوت ممکن است وحی شدن یا وحی کردن یا اعتقاد به وحی شدن بر یک فرد باشد.

۴. تعریف چهارم (تأکید بر بعثت یا برانگیختگی): نبی انسان مبعوث از جانب خداست برای تبلیغ اوامر و نواهی الهی به بندگان، اعم از اینکه صاحب شریعت علی‌حده باشد یا نه، و اعم از اینکه کتاب آسمانی بر او نازل شده باشد یا نه (طوسی، ۱۴۱۳ق: ۷۱؛ تفتازانی، *شرح المقاصد*، ج ۵: ۵-۶)؛ لاهیجی، *سرمايه ايمان*: ۱۶؛ سجادی، ۱۳۷۳، ج ۳: ۱۹۱۶). به عبارت دیگر «پیامبر کسی است که به منظور هدایت انسان‌ها برانگیخته شده تا معارفی را بدون واسطه انسانی دیگر، از مبدأ الهی دریافت و ابلاغ نماید». در این تعریف هشت قید به کار رفته است: (۱) پیامبر کسی است؛ یعنی انسان است، نه فرشته (۲) به منظور هدایت انسان‌ها (۳) برانگیخته شده، یعنی پیامبر مأموریتی را از طرف خدا در خود احساس می‌کند.

(۴) معارفی (۵) بدون واسطه انسانی دیگر (۶) مبدأ الهی، یعنی حاصل ذهن بشر نیست. (۷) دریافت (۸) ابلاغ (صادقی، ۱۳۸۳: ۱۸۴).

با این تعریف از نبی، شاید بتوان گفت نبوت یعنی بعثت. شاید بتوان تعریف ششم را در همین جا گنجانند.

۵. تعریف پنجم (تأکید بر مأموریت از آسمان): نبی کسی است که بدون واسطه بشر دیگر، مأمور از آسمان برای اصلاح دنیا و آخرت مردم است (بحرانی، قواعد المرام: ۱۲۲؛ سیوری، ۱۴۲۲ق: ۲۳۹). در این تعریف سخن از آسمان است، نه خدا؛ لذا این تعریف، همان تعریف هندوهای می ماتساست که تفاوت‌هایی با وحی ادیان ابراهیم دارد (روحانی، ۱۳۹۲: ۳۴۵-۳۸۴).

۶. تعریف ششم (تأکید بر اعتقاد): نبوت اعتقاد داشتن به وجوب بعثت انبیا و تصدیق ایشان در هر چیزی است که از طرف خدا آورده‌اند (لامیجی، همان: ۱۶).

۷. تعریف هفتم (تأکید بر فیض): تعریف فلسفی از نبوت: «نبوت فیض خداوند به واسطه عقل فعال بر قوه ناطقه اولاً و سپس بر قوه متخیله است» (ابن میمون، دلالة الحائرین: ۴۰۰).

البته تعاریف و بیان‌های دیگری از نبی و نبوت شده است که به نظر ما مردود است:

بیان اول (تعریف برخی از فلاسفه): فلاسفه تعریف دیگری از نبی دارند؛ آنها نبی را کسی می‌دانند که سه ویژگی داشته باشد:

(۱) بدون تعلیم از کسی، از غیب آگاه باشد و این آگاهی به دلیل صفای گوهر نفس رخ می‌دهد.

در نقد این ویژگی گفته‌اند ممکن است این ویژگی از کسی که با ریاضت‌ها و

مجاهداتی، اشتغال به بدنش کاهش یافته است یا در خواب و یا با مرض‌هایی چون صرع نیز رخ دهد. از طرفی، در اینجا مراد از غیب، نمی‌تواند همه غیب باشد؛ زیرا هیچ نبی‌ای چنین ادعایی نکرده است و اگر مراد برخی از غیب باشد، در این صورت این ویژگی مختص انبیا نیست. در ضمن صفای نفس خاص نبی نیست و در این صورت باید برای دیگران نیز نبوت رخ دهد؛ زیرا نفوس انسانی از نوع واحد است؛ لذا اگر دلیل بر نبوت صفا باشد، باید بتواند برای بقیه نفوس باصفا نیز رخ دهد.

(۲) نبی می‌تواند در جهان تصرف کرده، کارهای خارق‌العاده انجام دهد. در رد این ویژگی گفته‌اند ما چنین چیزی را از بعضی انسان‌های خالص و باصفا در هر عصری دیده‌ایم، اما نبی نیستند و چنین ادعایی نیز ندارند.

(۳) نبی می‌تواند ملائکه را با صورت متخیله ببیند و کلام خدا را با وحی بشنود.

در نقد این ویژگی گفته‌اند شاید این ویژگی با قوه خیال یا حس مشترک نیز رخ بدهد و برخی با ریاضت می‌توانند این ویژگی را بیابند. برخی از دیوانگان، کاهنان و مریض‌ها نیز چنین حالتی را ادعا کرده‌اند (روحانی، ۱۳۹۲: ۳۴۵-۳۸۴).

بیان دوم: نبی کسی است که می‌داند نبی است و نبوت، علم او به نبوت خود است. این تعریف دور است. از طرفی، هرکس می‌تواند چنین ادعایی کند، ولی نمی‌توان او را نبی دانست.

بیان سوم: نبی کسی است که به خدا علم دارد و نبوت، علم نبی به خداست. این تعریف غلط است؛ زیرا غیرنبی نیز به خداوند علم دارد (همان: ۱۰).

بیان چهارم: نبوت، متنی است که خدا بر هر بنده‌ای که می‌خواهد، می‌گذارد

(استادی، ۱۴۱۲ق: ۳۶۳).

بیان پنجم: نبوت موهبت و نعمتی از خدا بر بنده است. این تعریف را اشاعره در مقابل تعریف فلاسفه مطرح کرده‌اند. به نظر آنها، نبوت به صفت و ویژگی‌ای که ذاتی یا عرضی نبی باشد، بر نمی‌گردد (آمدی، ۱۴۲۳ق: ۱۲؛ همو، غایة المرام: ۲۷۴؛ جوادی آملی، ۱۳۸۶، ج ۴: ۲۱۶).

بیان ششم: «هو الّذی یکون کاملاً و مکملاً». کسی است که خود کامل است و دیگران را نیز تکمیل می‌کند (استادی، ۱۴۱۲ق: ۳۶۳).

بیان‌های سوم تا ششم، در واقع بیان ویژگی نبی هستند، نه تعریف آن. بیان هفتم: نبی نور اعظمی است که با وجود او هر نوری پنهان است و می‌رود (رفیق عجم، ۲۰۰۴م: ۲۸۶). «عبارة عن طور یحصل فیہ عین لها نور یظهر فی نورها الغیب و امور لایدرکها العقل» (فاروقی سرهندی، ۱۳۹۱ق: ۱۷)؛ یعنی نبی کسی است که نوری برای او حاصل می‌شود که غیب و اموری که عقل آن را درک نمی‌کند، در آن ظاهر می‌گردد.

به نظر ما تعریف نبوت به نور، تعریفی مبهم است و شرط روشن‌تر بودن تعریف از معرفت در اینجا رعایت نشده است. این بیان درصدد ذکر ویژگی نبی است، نه تعریف آن.

بیان هشتم (تأکید بر بلندمرتبی نبی): «رفیع المنزلة عند الله تعالی المحتمل رسالته بلا واسطة آدمی»؛ یعنی نبی کسی است که منزلت بالایی نزد خدا دارد و رسالت او بدون واسطه بشر دیگر محتمل است (استادی، ۱۴۱۲ق: ۳۶۳).

ایراد ما به این بیان آن است که هر رفعتی را نبوت نمی‌گویند. این بیان در واقع معنای دوم از واژه نبی است، نه تعریف.

تعریف دیگر ادیان از نبوت

تعریف ادیان ابراهیمی از نبوت، همان است که گفتیم، اما مسیحیتِ فعلی تعریفی متفاوت از نبی و نبوت دارد. آنها خود حضرت عیسی علیه السلام را در مقام خدایی قرار می‌دهند؛ در این صورت، حرف او حرف خداست، نه پیامی از طرف خدا. به همین دلیل، مفهوم نبوت به این معنا جایگاهی بین آنها ندارد.

«واژه Prophecy که به معنای «نبوت» است، به معنای «پیشگویی»^۱ و «غیبگویی»^۲ است؛ لذا در غرب پیشگویی با مفهوم نبوت قرین بوده است. واژه یونانی Prophet که واژه انگلیسی از آن گرفته شده، دال بر کسی است که از جانب خدا «صحبت می‌کند» و پیام‌های الهی را بازگو می‌نماید. دیوید هیوم بی‌اعتمادی خود را به این گزارش‌های پیشگویی گسترش داد. با گذشت زمان، نظریه‌های گوناگون، نبوت را به مقولاتی نظیر خلسه^۳ (تعریفی که پیش‌تر قدما ارائه کرده بودند)، روان‌پریشی^۴، الهام شاعرانه^۵، توهم^۶، دروغ^۷ و عوام‌فریبی^۸ تنزل دادند یا آن را به این مقولات شبیه دانستند. مردم‌شناسان^۹ به پیشگویی کتاب مقدس به عنوان پدیده‌ای نگاه کردند که در بسیاری از فرهنگ‌ها نمونه‌ها مشابه دارد، بدین طریق هر ادعای ویژه پیامبران انجیل و قرآن را خفیف می‌شمارند^{۱۰} (زارعی بلشتی، ۱۳۸۵: ۱۲۳).

1. prognostication.
2. divination.
3. ecstasy.
4. psychosis.
5. poetic inspiration.
6. hallucination.
7. fabrication.
8. demagoguery.
9. anthropologist.
10. david shatz, prophecy.

تعریف هندوها از نبوت، همان تعریف پنجم است. توضیح اینکه، آیین هندو دو گروه‌اند: ماده‌گرا و ماوراگرا. اولی «ناستیکه»، یعنی نیست‌انگار نام دارد که هرگونه ارتباط انسان را با ماوراء نفی می‌کند. مکتب جارواکه، نیست‌انگارند و معتقدند انسان با مرگ انسان می‌شود؛ البته این مکتب منقرض شده، دیگر پیروی ندارد. دومی «آستیکه» یعنی هست‌انگار هستند. اینها نیز دو فرقه‌اند: فرقه می‌ماتسا و فرقه یُگه. می‌ماتسا معتقدند افرادی که «ریشی» نام دارند، پیام آسمانی یا ماورائی را دریافت و برای هدایت مردم ابلاغ می‌کنند، ولی این پیام‌گوینده‌ای ندارد، بلکه از ازل و به صورت خودبنیاد در جهان وجود دارد؛ لذا اینجا صحبت از متکلم یا خدا نیست. آنها درباره خدا بحث نمی‌کنند، اما فرقه یُگه، خدا را قبول دارد و این پیام را از او می‌داند. بین نبی و ریشی تفاوت‌های دیگری نیز وجود دارد (روحانی، ۱۳۹۲: ۳۴۵-۳۸۴).

نتیجه‌گیری

هفت بیان اخیر از نبی و نبوت به دلایلی که ذکر شد، نمی‌تواند تعریفی برای نبی و نبوت باشد. می‌توان گفت چهار تعریف اول، در واقع یک تعریف‌اند و فقط الفاظ یا نکته‌ای که بر آن تأکید شده است، فرق دارد. توضیح اینکه، تعریف اول بر جنبه خبررسانی نبی از خداوند تأکید دارد. تعریف دوم بر واسطه بین خدا و خلق بودن نبی، و تعریف سوم بر وحی بودن پیام نبی از طرف خدا، و تعریف چهارم بر برانگیخته شدن نبی تأکید دارد. اما اگر دقت شود، خبر خودش وحی است و وحی نیز به صورت خبر است. سفارت نیز برای ابلاغ خبر یا وحی است. برانگیخته شدن نیز برای رساندن خبر یا وحی است؛ لذا به نظر می‌رسد این چهار تعریف با اغماض مطلب واحدی را بیان می‌کنند. در تعریف پنجم، اگر مراد از

آسمان این باشد که نهایتاً وحی را از خداوند دریافت می‌کند، این تعریف نیز به تعاریف قبلی برمی‌گردد؛ وگرنه، این تعریف، همان تعریف آیین هندوست. پس با توجه به این نکته، تعریف پنجم که همان تعریف آیین می‌ماتاساست، قابل قبول نخواهد بود. تعریف ششم از نبوت نیز با توجه به تکیه بر واژه «بعثت»، به همان تعریف چهارم برمی‌گردد. تعریف هفتم نیز نهایتاً این فیض را وحی یا خبر می‌داند، پس به تعاریف قبلی برمی‌گردد؛ با این تفاوت که تبیینی فلسفی از چگونگی ایجاد وحی بیان کرده است.

می‌توان تعریف واحدی از نبی و نبوت داشت و آن این است که: «نبی فردی است که از سوی خدا برانگیخته شده است تا واسطه میان او و خلق باشد که خبر یا پیام‌های الهی بر او وحی شود و او به مردم برای هدایتشان ابلاغ کند». براین اساس، نبوت یعنی «واسطه بین خدا و خلق بودن برای رساندن پیام الهی به مردم».

منابع

- آمدی، سيف الدين (١٤٢٣ق)، *أبكار الأفكار في أصول الدين*، تحقيق احمد محمد مهدي، قاهره: دار الكتب.
- ابن اثير، مبارك بن محمد (١٣٩٦)، *النهاية في غريب الحديث و الأثر*، تحقيق محمود محمد طناحي و طاهر احمد زاوي، قم: مؤسسه مطبوعاتي اسماعيليان.
- استادي، رضا و ديگران (١٤١٢ق)، *شرح المصطلحات الكلامية*، مشهد: آستان قدس رضوي.
- تهانوي، محمدعلي (١٩٩٦م)، *موسوعة كشاف اصطلاحات الفنون و العلوم*، بيروت: مكتبة لبنان ناشرون.
- جميل حمود، محمد (١٤٢١ق)، *الفوائد البهية في شرح عقائد الإمامية*، بيروت: مؤسسة الأعلمي.
- جوادى آملی، عبدالله (١٣٨٦)، *سرچشمه اندیشه*، تحقيق عباس رحيميان محقق، قم: اسراء، چاپ پنجم.
- حسين بن بدرالدين (١٤٢٢ق)، *ينابيع النصيحة في العقائد الصحيحة*، تحقيق مرتضى محطوري، صنعاء: مكتبة البدر.
- حسيني، ابوالفتح بن مخدوم (١٣٦٥)، *مفتاح الباب*، تحقيق مهدي محقق، تهران: مؤسسه مطالعات اسلامي، چاپ اول.
- حلي، جعفر بن حسن (١٤٠٩ق)، *الألفين*، قم: هجرت، چاپ دوم.
- _____ (١٣٦٥)، *الباب الحادي عشر*، تحقيق مهدي محقق، تهران: مؤسسه مطالعات اسلامي، چاپ اول.
- _____ (١٤٢٦ق)، *تسليک النفس الى حظيرة القدس*، تحقيق فاطمه رضاني، قم: مؤسسه الإمام الصادق عليه السلام.
- _____ (١٤١٤ق)، *المسلك في أصول الدين و الرسالة الماتعية*، تحقيق رضا استادي، مشهد: مجمع البحوث الإسلامية.
- _____ (١٤١٥ق)، *مناهج اليقين في أصول الدين*، تهران: دار الأسوة، چاپ اول.

- حمصی رازی، سدیدالدین (۱۴۱۲ق)، *المنقذ من التقليد*، قم: مؤسسه النشر الإسلامی.
- خسروی حسینی، غلامرضا (۱۳۷۴)، ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن، تهران: مرتضوی، چاپ دوم.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق)، *المفردات فی غریب القرآن*، تحقیق صفوان عدنان داودی، دمشق و بیروت: دارالعلم الدار الشامیة.
- رفیق عجم (۲۰۰۴م)، *موسوعة مصطلحات ابن خلدون و الشریف علی محمد الجرجانی*، بیروت: مکتبه لبنان ناشرون.
- روحانی، سید محمد (آبان ۱۳۹۲)، رساله دکتری تقد و بررسی جایگاه الهام آسمانی و دریافت کننده آن *RŚI* و *Śruti* در مکاتب خداپاور هند و *Āstica* (گرایش هفت حکیم اعظم *SAPTA RŚI*) و تبیین شباهت‌ها و تفاوت‌های آن با وحی و پیامبری در اسلام، جامعه المصطفی العالمیه.
- زارعی بلشتی، محمود (۱۳۸۵)، *نگرشی بر تاریخ فلسفه اسلامی*، تهران: امیر کبیر، چاپ اول.
- سجادی، سید جعفر (۱۳۷۳)، *فرهنگ معارف اسلامی*، تهران: دانشگاه تهران.
- سیوری، مقداد بن عبدالله بن محمد (فاضل مقداد) (۱۴۰۵ق)، *إرشاد الطالبین إلی نهج المسترشدين*، تحقیق سید مهدی رجائی، قم: انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی.
- _____ (۱۴۲۲ق)، *اللوامع الإلهیة فی المباحث الكلامیة*، تحقیق محمدعلی قاضی طباطبائی، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- _____ (۱۳۶۵)، *النافع یوم الحشر*، تحقیق مهدی محقق، تهران: مؤسسه مطالعات اسلامی، چاپ اول.
- شهرستانی (۱۴۲۵ق)، *نهاية الأقدام فی علم الکلام*، تحقیق احمد فرید مزیدی، بیروت: دارالکتب العلمیة.
- صادقی، هادی (۱۳۸۳)، *درآمدی بر کلام جدید*، قم: طه، چاپ دوم.

- طوسی، خواجه نصیرالدین (۱۴۱۳ق)، قواعد العقائد، تحقیق علی حسن خازم، بیروت: دار الغربیة، چاپ اول.
- طوسی، محمد (۱۴۰۶ق)، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، بیروت: دار الأضواء.
- _____ (۱۴۱۴ق)، الرسائل العشر، قم: مؤسسة النشر الإسلامی.
- طیب، سید عبدالحسین (۱۳۶۲)، کلم الطیب در تقریر عقاید اسلام، بی جا: کتابخانه اسلام، چاپ چهارم.
- فاروقی سرهندی، احمد (۱۳۹۸ق)، اثبات النبوة، استانبول: المكتبة ایشیق، چاپ اول.
- فیض کاشانی (۱۴۱۸ق)، علم الیقین فی أصول الدین، تصحیح محسن بیدارفر، قم: بیدار.
- لاهیجی، فیاض (۱۳۸۳)، گوهر مراد، تحقیق زین العابدین قربانی، تهران: نشر سایه.